

۶ بنیال دیت مبرند عمرم

نامه بر ساراز در کوک در حاله که بسیار ساد  
کرد، به گونه ارگانیم داد، تکلف زد طام کرد که آا این  
تعارف و اقصیت ارگانیک زندگی، در مورد سواراله در دنیا  
رویا که پرواز شما کند

به هر حال دلم می خواهد آن طوری باشم که تو تصور می کنی.  
دلم می خواهد باز ترا بکنم تا در کوک باغهای حافظ و نیا یا هم بر  
بزنم. دلم می خواهد وطن را ببینم. ان لی تا آخر خط که هست  
دشمن می خواهد ورسته ابر کیمی که او را باسته میوند میاید هم آن  
خوابتین که از جی انتهاست.

گفتی هم جا سره را که را حواصی خواند بسیار سگوارم برود  
حصول را خواندنی است حتی امروز توسط کلمن عمرت برایت می نویسم  
و برابر برگون که باک نیز سلام به از دست که از کتا بهان که برام می  
یک شو آن تو هم در نیت من نامه برایت می نویسم  
و ترا به بود که می فرود می آید همزت می فرستم

راله

لله ۲۳ رانویه ۱۹۹۹